



The Responsibility of Parents Regarding the Delinquency of Children (Adolescents) in the Fiqh and Legal System of Iran with Adaptation in the Legal System of the State of Michigan

Ahmad Ommi^{*1}, Hanieh Mahmoudzadeh²

1. Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

2. Master's Student in Financial-Economic Law, Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 203-220

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-8692-3281

Email: a_ommi@iau.ac.ir

Article history:

Received: 28 Jul 2025

Revised: 01 Oct 2025

Accepted: 23 Nov 2025

Published online: 20 Feb 2026

Keywords:

Parental Responsibility,
Adolescents, Delinquency,
Law, Crime Prevention.

ABSTRACT

When adolescents commit crimes, parental responsibility laws in certain legal systems, such as Iran and the State of Michigan in the United States, entail responsibilities for parents. These responsibilities, whether through compensating victims or drawing attention to problematic behaviors, aim to prevent recidivism and enforce justice. However, the actual impact of these laws on adolescent behavior and their effectiveness in preventing future delinquency are subject to debate and scrutiny. Psychological studies suggest that parental responsibility laws can, in some cases, exacerbate family tensions and contribute to existing inequalities in the justice system, rather than increase accountability and correct adolescent behavior. This review examines the different types of offenses subject to review and the challenges associated with the implementation of these laws. Considering cultural and social differences, the role and extent of parental responsibility in each legal system, especially regarding juvenile offenses, are carefully analyzed and compared. This review seeks to answer questions such as the effectiveness of these laws in preventing recidivism and their impact on parental attitudes toward delinquent behaviors.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Ommi, A & Mahmoudzadeh, H (2026). "The Responsibility of Parents Regarding the Delinquency of Children (Adolescents) in the Fiqh and Legal System of Iran with Adaptation in the Legal System of the State of Michigan". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(5): 203-220.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره پنجم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۴

مسئولیت والدین در قبال بزهکاری کودکان (نوجوانان) در نظام فقهی و حقوقی ایران با تطبیق در نظام حقوقی ایالت میشیگان

احمد امی^{۱*}، هانیه محمودزاده^۲

۱. گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق مالی - اقتصادی، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

هنگامی که نوجوانان مرتکب جرم می‌شوند، قوانین مسئولیت قانونی والدین در برخی نظام‌های حقوقی، مانند ایران و ایالت میشیگان آمریکا، مسئولیت‌هایی را برای والدین در پی دارد. این مسئولیت‌ها، چه از طریق جبران خسارت به قربانیان و چه از طریق جلب توجه به رفتارهای مشکل‌ساز، هدفشان پیشگیری از تکرار جرم و اجرای عدالت است. با این حال، تأثیر واقعی این قوانین بر رفتار نوجوانان و اثربخشی آن‌ها در جلوگیری از بزهکاری آینده، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. مطالعات روان‌شناختی نشان می‌دهند که مسئولیت قانونی والدین می‌تواند در برخی موارد، به‌جای افزایش مسئولیت‌پذیری و اصلاح رفتار نوجوان، تنش‌های خانوادگی را تشدید و به نابرابری‌های موجود در سیستم قضایی دامن بزند. این بررسی، انواع مختلف تخلفات قابل بررسی و چالش‌های مرتبط با اجرای این قوانین را مورد بررسی قرار می‌دهد. باتوجه به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، نقش و میزان مسئولیت والدین در هر سیستم قضایی، به‌ویژه در مورد جرایم نوجوانان، به‌طور دقیق مورد تحلیل و مقایسه قرار می‌گیرد. این بررسی تلاش می‌کند تا به سؤالاتی نظیر میزان اثربخشی این قوانین در پیشگیری از تکرار جرم و تأثیر آن بر نگرش والدین نسبت به رفتارهای بزهکارانه پاسخ دهد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۰۳-۲۲۰

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۳۲۸۱-۸۶۹۲-۰۰۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

ایمیل: a_ommi@iau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

مسئولیت والدین، نوجوانان، بزهکاری، قانون، پیشگیری از جرم.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

کودکی که به دنیا می‌آید، به صورت بالقوه، عالی‌ترین و کامل‌ترین امکانات لازم برای رشد را داراست. وی آمادگی دارد که به شایسته‌ترین شکل پرورده شود و سیر تکاملی خویش را طی کند. کافی است که سالم به دنیا آید و در شرایط خانوادگی، آموزشی و محیطی مناسب قرار گیرد تا رشد و نمو یابد، اما متأسفانه گاه این شرایط به گونه‌ای است که برخی از آن‌ها نمی‌توانند ظرفیت‌ها و توانایی‌های خویش را شکوفا سازند و ممکن است حتی روندی نامناسب را طی کنند و به انواع و اقسام مشکلات رفتاری مبتلا شوند. این مشکلات رفتاری، در صورت عدم مداخله و رسیدگی، می‌توانند منجر به ارتکاب جرم شوند، به‌ویژه در سنین نوجوانی که مرحله‌ای حساس و گذار در زندگی فردی است.

دانشمندان علوم رشدی اغلب عواملی را در نظر می‌گیرند که جوانان را در برابر رفتار مجرمانه آسیب‌پذیرتر و کمتر مسؤول می‌کند، از جمله روابط آن‌ها با والدین (Fagan & Benedini, 2019: 387)، اما بررسی‌های بسیار کمتری در مورد مسؤولیت قانونی والدین در قبال بزهکاری جوانان وجود دارد. در ۳۰ نوامبر ۲۰۲۱، ایوان کرامبلی، ۱۵ ساله، در ایالت میشیگان، به اتهام قتل درجه اول، دستگیر شد. این واقعه که در رسانه‌های بین‌المللی نیز بازتاب فراوانی یافت، بار دیگر موضوع مسؤولیت قانونی والدین در جرم ارتكابی توسط نوجوانان را در معرض توجه قرار داد (Cookston, 1999: 22; Kroese et al, 2021: 4609)، درحالی‌که قوانین ایران و ایالات متحده آمریکا در حوزه خانواده و حقوق کودک تفاوت‌های بنیادینی دارند، اما هر دو نظام حقوقی، در مواجهه با جرم ارتكابی توسط نوجوانان، مسؤولیت‌هایی را برای والدین یا سرپرستان قائل هستند. بررسی این مسؤولیت‌ها و مقایسه آن‌ها، می‌تواند به درک عمیق‌تری از چالش‌ها و راهکارهای ممکن برای پیشگیری از جرم و حمایت از نوجوانان در هر دو نظام حقوقی منجر شود.

در حقوق ایران که مبتنی بر فقه امامیه و نظر مشهور فقهاست، مسؤولیت والدین در جرم ارتكابی توسط نوجوانان، اغلب در چارچوب قوانین کیفری و مدنی و با تأکید بر نقش خانواده در

تربیت و مراقبت از فرزندانشان تعریف می‌شود. این مسؤولیت‌ها، همواره به‌عنوان یک الزام قانونی و اخلاقی، مطرح است. در مواردی که نوجوان مرتکب جرمی شده باشد، دادگاه می‌تواند در کنار مجازات نوجوان، اقدامات تربیتی و حمایتی را برای وی در نظر بگیرد، اما در عین حال، در برخی موارد، مسؤولیت مستقیم و قانونی والدین در جرم ارتكابی نوجوان، به‌عنوان عاملی در تشدید مجازات یا مسؤولیت مدنی مطرح می‌شود. این موضوع، به‌ویژه در مواردی که ثابت شود والدین از اقدامات پیشگیرانه و تربیتی لازم غافل بوده و یا به نوعی در ارتكاب جرم نقش داشته‌اند، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

در مقابل، نظام حقوقی ایالت متحده آمریکا، به‌ویژه ایالت میشیگان، رویکردی متفاوتی در این زمینه دارد. برخلاف نظام حقوقی ایران که گاهی بر مسؤولیت مستقیم والدین تأکید دارد، در حقوق آمریکایی، مسؤولیت والدین اغلب به صورت غیرمستقیم و در قالب نظارت و مراقبت مناسب تعریف می‌شود (Zych et al, 2021: 3322). قوانین میشیگان، بر اهمیت مراقبت‌های والدین و عدم وجود شرایطی که منجر به ارتكاب جرم شود، تمرکز دارد. در مواردی که نوجوان مرتکب جرمی شده باشد، بررسی شرایط محیطی و خانوادگی، نقش مهمی در تعیین میزان مسؤولیت والدین و یا تصمیم‌گیری در مورد مجازات یا مداخلات بعدی ایفا می‌کند. برخلاف حقوق ایران، در این نظام حقوقی، تمرکز بیشتر بر «مراقبت» و «پیشگیری» است تا «مسؤولیت مستقیم» در ارتكاب جرم. (Dragomir & Tadros, 2020: 268). مقایسه این دو نظام حقوقی، نشان می‌دهد که هر دو نظام، اهمیت نقش والدین در تربیت و مراقبت از نوجوانان را به رسمیت می‌شناسند، اما رویکردهای مختلفی در اعمال این مسؤولیت‌ها دارند. در حقوق ایران، تأکید بر مسؤولیت مستقیم والدین در برخی موارد، می‌تواند به‌عنوان عاملی برای افزایش توجه به نقش خانواده در پیشگیری از جرم باشد، اما در عین حال، ممکن است به دلیل عدم ارائه راهکارهای عملی و حمایتی مناسب، این مسؤولیت به بار سنگینی برای والدین تبدیل شود. در حقوق آمریکایی، رویکردی که بر مراقبت و

کرد. در دوره‌ای که به‌عنوان دوران کودکی و عدم تمییز مطلق شناخته می‌شود، کودک فاقد شعور و تشخیص خوب از بد است و توانایی درک اعمال خود را ندارد، بنابراین، هیچ مسؤولیتی متوجه او نیست. در مقابل، در دوره‌ای با عنوان دوران کودکی و تمییز نسبی، کودک هنوز به مرحله رشد قانونی نرسیده، اما به‌طور نسبی می‌تواند خوب و بد را تشخیص دهد و نتایج اعمال خود را پیش‌بینی کند. در این مرحله، تمییز و تشخیص نقش مهمی ایفا می‌کند (شفیعی و رایجیان اصل، ۱۴۰۱: ۷۲). به‌طور کلی، دوران کودکی را می‌توان به دو دوره «دوره قبل از تمییز» و «دوره تمییز» تقسیم کرد. در دوره اول، کودک خوب و بد اعمالش را تشخیص نمی‌دهد و به‌عنوان «کودک غیرممیز» شناخته می‌شود. در دوره دوم، پس از پیدایش قوه تمییز، کودک از نظر عقلانی و درک رشد یافته و خوب و بد اعمالش را تشخیص می‌دهد و در آستانه بلوغ قرار می‌گیرد. کودک در این دوره به‌عنوان «کودک ممیز» شناخته می‌شود و هنگامی که به بلوغ نزدیک می‌شود، «مراهق» نامیده می‌شود. با رسیدن به بلوغ، دوران مسؤولیت و تکلیف آغاز می‌شود.

۱-۱-۲- کودکی از دیدگاه قرآن و فقها

در قرآن کریم، بر رعایت حقوق کودکان تأکید فراوانی شده است، اگرچه در مورد زمان شروع کودکی تصریح خاصی وجود ندارد، اما با تأمل می‌توان استنباط کرد که اسلام از زمان انعقاد نطفه برای جنین اعتبار قائل شده و احکام جزایی ذوالمراتبی را برای حمایت از او مقرر کرده است. این نشان‌دهنده آن است که از زمان انعقاد نطفه، کودکی آغاز می‌شود، حتی قبل از دمیدن روح. تشخیص و تعیین آغاز کودکی از نظر مدنی و حقوقی برای کودک حائز اهمیت است، به‌ویژه در مواردی مانند سقط جنین که مجازات‌هایی برای آن در نظر گرفته شده است.

۱- کودکی از دیدگاه قرآن به موارد فوق اشاره دارد (منفرد و روزنتال، ۱۳۷۹: ۱۰۹). از دیدگاه علما و فقها، طفل به کسی اطلاق می‌شود که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. دوران طفولیت به سه دوره تقسیم می‌شود: ۱- از ولادت تا هفت‌سالگی (صبی غیرممیز)؛ ۲- از هفت‌سالگی تا ظهور بلوغ

پیشگیری تمرکز دارد، می‌تواند به ایجاد محیطی حمایتی‌تر و سازنده‌تر برای نوجوانان منجر شود.

درنهایت، تحقیقات بیشتر و بررسی موردی پرونده‌های مشابه در هر دو نظام حقوقی، می‌تواند به درک عمیق‌تری از چالش‌ها و تفاوت‌های این دو رویکرد در برخورد با جرم ارتكابی توسط نوجوانان کمک کند. همچنین بررسی دقیق‌تر قوانین و مقررات مربوط به مسؤولیت والدین در هر دو نظام، می‌تواند به تدوین راهکارهایی برای ارتقای پیشگیری از جرم و حمایت از نوجوانان در هر دو جامعه منجر شود. این امر، به‌ویژه در مورد نوجوانانی که در معرض خطرات اجتماعی و خانوادگی هستند، اهمیت دوچندانی دارد.

۱- مفهوم کودک (نوجوان)

کودک، به فردی اطلاق می‌شود که در مراحل اولیه رشد خود قرار دارد. این مرحله با ویژگی‌هایی همچون وابستگی، نیاز به مراقبت و آموزش و شکل‌گیری شخصیت همراه است. کودک به‌عنوان یک موجود در حال تکامل، در معرض یادگیری و تجربه‌های جدید قرار دارد. برای بررسی بیشتر عنوان این تحقیق باید اجمالاً با مفهوم کودک از ابعاد مختلف آشنا شد:

۱-۱- فقه امامیه و حقوق ایران

در این مبحث به مفهوم کودک در فقه امامیه و قانون ایران خواهیم پرداخت:

۱-۱-۱- دوران کودکی و ویژگی‌های آن

دوران کودکی، که معمولاً از بدو تولد تا حدود ۱۳-۱۲ سالگی (پایان دوره دبستان) در نظر گرفته می‌شود، یک مرحله حیاتی در رشد و تکامل انسان است. این دوره را می‌توان به دو بخش عمده تقسیم کرد: «دوره قبل از دبستان» و «دوره دبستان»؛ در تعالیم اسلامی نیز، این دوران به سه دوره هفت‌ساله متمایز تقسیم شده است: هفت سال اول، دوره سیادت؛ هفت سال دوم، دوره اطاعت؛ هفت سال سوم، دوره وزارت. این تقسیم‌بندی‌ها نشان‌دهنده توجه به نیازها و توانایی‌های متغیر کودک در هر مرحله از رشد است (عابدینی و مشکى‌باف، ۱۴۰۰: ۱۹۵). علاوه‌بر این، دوران کودکی را می‌توان براساس میزان تمییز و درک کودک نیز تقسیم‌بندی

سرپرست و ولی هستند. قوانین ایران که از فقه امامیه نشأت گرفته‌اند، برای تمییز صحت معامله، اهلیت فرد را مد نظر قرار می‌دهند و سن را به‌عنوان یک اماره برای شناسایی بهتر افراد دارای اهلیت در نظر می‌گیرند. این رویکرد، با هدف حمایت از کودکان در برابر معاملات زیان‌آور و حفظ حقوق آن‌ها اتخاذ شده است.

۱- شروع کودکی در قانون مدنی: ماده ۹۵۶ قانون مدنی، شروع اهلیت برای دارابودن حقوق را با زنده متولدشدن انسان مرتبط می‌داند. با این حال، ماده ۹۵۸ قانون مدنی نشان می‌دهد که جنین قبل از تولد نیز از کلیه حقوق برخوردار است، اما نمی‌تواند آن‌ها را استیفا کند. بنابراین آغاز کودکی در حقوق ایران از زمان انعقاد نطفه است که قلمرو آن را گسترده‌تر از کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌سازد. این موضوع در قانون مجازات اسلامی نیز با اختصاص موادی به حمایت از جنین تأکید شده است.

۲- پایان دوره کودکی و اصلاحات قانونی: قبل از اصلاح سال ۱۳۶۱، ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، سن بلوغ را ۱۸ سالگی تعیین کرده بود و افراد زیر ۱۸ سال از تصرف در اموال و حقوق مالی خود محروم بودند، اما پس از اصلاح، این ماده تغییر کرد و سن بلوغ را در پسران ۱۵ سال و در دختران ۹ سال تمام قمری تعیین نمود. این تغییر که از نظر اکثر فقهای امامیه گرفته شده، با سایر قوانین هماهنگی کامل ندارد و منجر به تعارض‌هایی در قانون مدنی شده است. تغییر سن بلوغ و پیامدهای آن، از مهم‌ترین نکات این قسمت است (عباسی داکانی، ۱۳۸۲: ۱۴؛ الهامی و میرزایی، ۱۴۰۰: ۱۲). ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و تبصره‌های آن ابهاماتی را درخصوص پایان کودکی ایجاد کرده‌اند. طبق ماده، رسیدن به سن بلوغ اماره رشد است، درحالی‌که تبصره ۲ آن، اثبات رشد را برای تحویل اموال به صغیر بالغ ضروری می‌داند. این تعارض نشان می‌دهد که قانون مدنی، سن رشد و بلوغ را در هم آمیخته است. براساس رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور، صغیر پس از رسیدن به سن بلوغ و اثبات رشد می‌تواند در اموالی که قبل از بلوغ مالک شده، تصرف کند که این

(صبی ممیز)؛ ۳- از سن بلوغ به بعد. در دوره اول، طفل هیچ مسؤولیت جزایی و کیفری ندارد. در دوره دوم، طفل به تدریج توانایی تشخیص نفع و ضرر را پیدا می‌کند و دیدگاه‌های مختلفی در مورد تصرفات مالی او وجود دارد. با رسیدن به سن بلوغ، شخص دارای مسؤولیت کامل می‌شود و درصورت ارتکاب جرم، مجازات می‌شود (عاملی جعی شهید ثانی)، ۱۳۹۳: ۱۴۲/۳).

۲- کودکی از دیدگاه علما و فقها: در مورد سن بلوغ و نشانه‌های آن نیز بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. برخی نشانه‌های بلوغ را رویدن موی خشن در عانه، بیرون آمدن منی و رسیدن به سن معینی (۱۵ سال در پسران و ۹ سال در دختران) می‌دانند. فقهای امامیه و اهل سنت بر این مطلب اتفاق دارند که قاعدگی و حامله‌شدن دلیل بر بلوغ در دختر است. درنهایت، با رسیدن به بلوغ، دوران کودکی به پایان می‌رسد و فرد وارد مرحله جدیدی از زندگی خود می‌شود که با مسؤولیت‌های بیشتر همراه است (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۰: ۶۱۰). باتوجه به مفهوم و معیار کودکی، حقوق و تکالیف کودکان در دیدگاه‌های مختلف روشن می‌شود. در تفکر اسلامی برای حمایت از کودک مسؤولیت‌های مشخصی قبل و بعد از تولد کودک بر عهده والدین قرار گرفته است و جامعه نیز وظایف مشخصی در قبال کودک برعهده دارد. جزئیات برخی از وظایف والدین و جامعه در قبال کودک در مقاله توضیح داده شده است و در مجموع مشخص گردیده که در تفکر اسلامی چه خانواده و چه جامعه وظیفه دارند که نهایت زمینه لازم برای رشد مادی و معنوی کودک را فراهم آورند و هرگونه کوتاهی در این زمینه مردود می‌باشد. تلاش مجریان امور در ایران می‌باید معطوف به این حقیقت باشد که اولاً اسلام را درست درک کنند و سپس درست عمل نمایند و تعهدات بین‌المللی ایران در زمینه حقوق کودک را نیز در اقدامات خود مد نظر قرار دهند تا روزه‌روز جایگاه کودکان از حیث رعایت حقوق بشر ارتقا یابد.

۱-۱-۳- سن کودکی و اهلیت در قانون مدنی

در قانون مدنی ایران، کودکان به دلیل عدم رشد فکری و عقلانی کافی برای انجام معاملات و اداره اموال خود نیازمند

۴-۱-۱- قابلیت مجازات کودک و نوجوان در قانون مجازات فعلی ایران

قانون‌گذار مجازات اسلامی ۹۲ متأثر از واقعیات علمی - تجربی و تعهدات بین‌المللی با پذیرش تأثیر رشد جزایی در مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان سیاست کیفری نسبتاً سنجیده‌ای را اتخاذ نموده است. تفکیک جرایم تعزیری از جرایم موجب حد یا قصاص و تغییر نظام مسئولیت و طبقه کیفری از دفعی به تدریجی و دسته‌بندی اطفال و نوجوانان در گروه‌های سنی بدون تبعیض جنسیتی در جرایم تعزیری از جلوه‌های بارز این سیاست است. در این رویکرد بین سن بلوغ شرعی و سن مسئولیت کیفری تفکیک به عمل آمده است. سن مسئولیت کیفری در جرایم تعزیری ۱۵ سال تمام شمسی است. سن مسئولیت کیفری کامل ۱۸ سالگی و سن کمتر از ۹ سال شمسی، سن عدم مسئولیت مطلق است و صغار در این گروه سنی، خواه ممیز یا غیرممیز، هیچ‌گونه مسئولیتی نخواهند داشت و هیچ تصمیمی را نمی‌توان قانوناً در مورد آنان اتخاذ نمود. مسئولیت نسبی اطفال از سن ۹ سال تمام شمسی آغاز می‌گردد. اطفال و نوجوانان گروه سنی ۹ تا ۱۲ و ۱۲ تا ۱۵ سال تمام شمسی در قبال نقض قوانین کیفری واجد مسئولیت نسبی‌اند و صرفاً اقدامات اصلاحی و تربیتی در مورد آنان قابل اتخاذ خواهد بود. به علاوه، مسئولیت کیفری نوجوانان در گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی از نوع مسئولیت کیفری کاهش یافته و بسیار خفیف‌تر از بزرگسالان می‌باشد. باوجود تبعیت قانون‌گذار از نظام مسئولیت کیفری دفعی در جرایم موجب حد و قصاص، در کنار سن بلوغ، رشد جزایی به‌عنوان ضابطه مکمل برای تحقق مسئولیت کیفری افراد است.

چنان‌چه در رشد و کمال عقل نوجوانان کمتر از ۱۸ سال، شبهه‌ای وجود داشته باشد یا ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک نکنند، مسئولیت کیفری آنان از حد به تعزیر کاهش می‌یابد. پیش‌بینی پاسخ‌های متنوع اصلاح‌مدار و بازپرورانه و متناسب با گروه‌های سنی مختلف، مجازات‌های تعزیری تنبیهی مبتنی بر بازپذیری اجتماعی نوجوانان روی هم‌رفته گویای اتخاذ سیاست کیفری افتراقی مبتنی بر اصلاح و درمان اطفال و نوجوانان معارض قانون است.

رای، ابهاماتی را در مورد تفاوت بین دارایی‌های قبل و بعد از بلوغ ایجاد کرده است.

۳- پایان کودکی (بلوغ یا اثبات رشد): باتوجه به ماده ۱۲۱۰ و تبصره‌های آن، این سؤال مطرح می‌شود که آیا پایان کودکی، رسیدن به سن بلوغ است یا اثبات رشد؟ به‌نظر می‌رسد که پایان کودکی، سن بلوغ است، زیرا صغر کودکی در مقابل بلوغ شرعی قرار دارد و عرفاً به کسی که به سن بلوغ رسیده، صغیر نمی‌گویند. ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده نیز طفل را کسی می‌داند که به بلوغ شرعی نرسیده باشد. با این حال، در عمل، بسیاری از قوانین دیگر سن رشد را ۱۸ سالگی در نظر می‌گیرند (عباس‌سرمدی و زنگی اهرمی، ۱۳۹۴: ۳۳). درنهایت، بازبینی قوانین مدنی ایران نشان می‌دهد که خاتمه دوره کودکی به‌طور واضح بیان و تعریف نشده است و فرد را می‌توان در یک موقعیت کودک و در موقعیت دیگری بالغ تلقی کرد. این موضوع منجر به تناقضاتی در قوانین مختلف می‌شود، به‌عنوان مثال، یک دختر ۹ ساله می‌تواند ازدواج کند، اما نمی‌تواند استخدام شود. این ابهامات و تناقضات قانونی نیازمند بازنگری و اصلاح قوانین است تا تعریف دقیق و هماهنگی از پایان دوره کودکی در قوانین ایران ارائه شود.

نظریه مشهور در فقه کیفری، بر بلوغ دختران در نه‌سالگی و پسران در پانزده‌سالگی در کلیه امور عبادی و حقوقی بدون تفکیک هیچ‌یک از دیگری قرار دارد (حلی (علامه حلی)، ۱۴۲۰: ۱۵۹/۲). با این حال در مقابل نظریه اخیر، قول غیرمشهور نیز وجود دارد. این نظریه به چند عقیده تقسیم می‌شود: عده‌ای معتقدند که در تعیین مسئولیت کیفری حدود و قصاص علاوه بر احراز سن بلوغ، معیار درک حسن و قبح اعمال (رشد جزایی) لازم است (مکارم شیرازی، استفتاء، ۱۴۰۰). دیدگاه برخی دیگر بر آن است که در مسئولیت کیفری جرایم موجب حد شرعی، رسیدن دختران به سیزده‌سالگی و پسران به پانزده‌سالگی ضروری است و در قصاص فقط قائل به معیار درک حسن و قبح جنایت هستند و در نگرش سوم، اجرای حدود، اضافه بر بلوغ سنی، منوط به رشد عقلی و علم به حرمت هم است (موسوی اردبیلی، استفتاء، ۱۳۷۸).

اقدامات تأمینی و تربیتی نیز برای اطفال ممیز زیر ۹ سال غیرممکن است، طبق قانون، اطفال زیر ۹ سال، حتی در صورت تمییز، مشمول اقدامات تربیتی نمی‌شوند. این امر ممکن است به دلیل فرض عدم مسؤولیت مطلق آنان باشد، اما می‌تواند زمینه‌ساز سوءاستفاده یا تکرار جرم شود. ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی تنها مجازات حد یا قصاص را به تعزیر کاهش می‌دهد، درحالی‌که قاعده درأ به عنوان یکی از جهات سقوط مجازات، می‌بایست موجب رفع کامل مجازات شود. این تعارض به‌ویژه در مورد افراد بالغ زیر ۱۸ سال که شبهه در رشد آنان وجود دارد، مشهود است.

۲-۱- مفهوم کودکی از دیدگاه کنوانسیون حقوق کودک و ایالت میسیگان آمریکا

کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، با تأکید بر منزلت ذاتی و حقوق برابر انسان‌ها و لزوم آمادگی کودکان برای زندگی در اجتماع، چارچوبی بین‌المللی برای حمایت از حقوق کودکان ارائه می‌دهد. این کنوانسیون، کشورهای عضو را ملزم به اجرای قوانینی در راستای بهبود شرایط زندگی کودکان می‌کند.

ماده ۱ کنوانسیون، کودک را به این صورت تعریف می‌کند: «افراد انسانی زیر ۱۸ سال، مگر این‌که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.» این تعریف، دو نکته مهم را دربر دارد:

- شمول کنوانسیون: فقط افراد زیر ۱۸ سال مشمول مقررات کنوانسیون هستند.

- متغیر بودن سن بلوغ: سن بلوغ، یک معیار مطلق نیست و بسته به قوانین ملی هر کشور متفاوت است، زیرا دوره نوجوانی در جوامع گوناگون، طول متفاوتی دارد (معمولاً بین ۱۲ تا ۲۱-۱۸ سالگی).

نکته دیگر این است که سن ۱۸ سالگی در کنوانسیون، هم به عنوان سن بلوغ و هم سن رشد در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر، فرض بر این است که در ۱۸ سالگی، کودک اهلیت کامل برای استفاده از حقوق خود را پیدا می‌کند و از ولایت خارج می‌شود. کنوانسیون در مورد پایان کودکی (۱۸)

تعیین سن‌های مختلف برای مسؤولیت کیفری کودکان و نوجوانان، مشکلاتی را ایجاد می‌کند. به طور مثال، قانوناً امکان اعمال اقدامات تربیتی و تأمینی برای کودکان زیر ۹ سال، حتی اگر ممیز باشند، وجود ندارد. همچنین ماده ۹۱ قانون که در مورد کاهش مجازات از حد یا قصاص به تعزیر در صورت شبهه رشد و کمال عقل برای افراد زیر ۱۸ سال است، با قاعده «درأ» (استنباط عدم وقوع چیزی به دلیل وجود احتمال دیگر) در تضاد است و این موضوع از مهم‌ترین ایرادات قانونی و اختلافات با فقه اسلامی است. بنابراین پیشنهاد می‌شود سن مسؤولیت کیفری در جرایم موجب حد یا قصاص نیز مانند جرایم تعزیری، ۱۵ سال تمام شمسی باشد. با این تفاوت که در جرایم حد یا قصاص و به اقتضای جمع میان قاعده درأ و نظم عمومی، افراد کمتر از ۱۵ سال تمام شمسی اصولاً غیربالغ و غیررشید فرض گردند، مگر آن‌که خلاف آن ثابت شود و افراد ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی اصولاً بالغ و رشید فرض گردند، مگر آن‌که خلاف آن ثابت گردد یا در رشد جزایی آنان شبهه‌ای وجود داشته باشد؛ ثانیاً سن عدم مسؤولیت مطلق پایین‌تر از ۹ سال شمسی قرار داده شود؛ ثالثاً وجود شبهه در رشد و کمال عقل افراد بالغ کمتر از هیجده سال مسقط هرگونه مجازات اعم از حد و قصاص یا تعزیر به استناد قاعده درأ شناخته شود (حسنی، ۱۳۹۴).

تعیین سن پایین برای مسؤولیت کیفری می‌تواند باعث شود کودکان زودتر در معرض مجازات قرار گیرند، درحالی‌که هنوز به بلوغ عقلی و عاطفی کافی نرسیده‌اند. این امر می‌تواند منجر به برچسب‌زنی، طرد اجتماعی و افزایش احتمال تکرار جرم شود (محمدیکی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۷)، لذا به طور خلاصه باید گفت باید حداقل‌های سنی چندگانه به عنوان معیار مسؤولیت کیفری اطفال و نوجوانان تعیین شود، اما این رویکرد منجر به پیچیدگی در نظام قضایی و عدم وحدت رویه در برخورد با جرایم اطفال می‌شود و تفکیک سنی در جرایم مختلف (حدود، قصاص، تعزیرات) ممکن است به تضاد در اجرای عدالت بیانجامد.

حمایت مالی باشد، می‌تواند تحت این تعریف به‌عنوان «کودک» در نظر گرفته شود، لذا سن قانونی مهم نیست. نکته مهم این است که این تعریف، صرفاً به سن قانونی^۲ اشاره نمی‌کند، یعنی فردی که از نظر قانونی بزرگسال (مثلاً ۱۸ ساله در بسیاری از ایالت‌های آمریکا) محسوب می‌شود، باز هم می‌تواند تحت این تعریف به‌عنوان «کودک» در نظر گرفته شود، به شرطی که از نظر مالی به والدین خود وابسته باشد. این تعریف بیشتر در زمینه قوانین مربوط به حمایت مالی از کودک کاربرد دارد. هدف این قوانین، اطمینان از این است که فرزندان (و در برخی موارد، فرزندان بزرگسالی که هنوز به والدین خود وابسته هستند) از نظر مالی تأمین شوند.

در قانون جزایی می‌شیگان (ماده ۷۵۰، ۱۳۶b) تعاریف اولیه‌ای برای مفاهیم کلیدی تعریفی از کودک ارائه می‌دهد. در بخش ۱ این قانون مقرر کرده: «تعریف کودک: شخصی که زیر ۱۸ سال سن دارد و طبق قانون ۱۹۶۸ PA 293، بخش ۴، ماده ۷۲۲،۴، آزاد اعلام نشده است.»

۲- عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم یا خلاف توسط کودکان و نوجوانان

مسئله انحرافات و جرایم کودکان و نوجوانان، پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است که ریشه در عوامل متعددی دارد. بررسی این عوامل، کلید درک بهتر این مسئله و ارائه راهکارهای مؤثر برای پیشگیری و اصلاح آن است. عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم یا خلاف توسط کودکان و نوجوانان بسیار متنوع و پیچیده هستند و می‌توان آن‌ها را به دسته‌های مختلفی تقسیم کرد، ولی مهم‌ترین موارد را می‌توان به شرح زیر توضیح داد:

۲-۱- عامل فردی

برخی از ویژگی‌ها و مشکلات فردی می‌توانند در ارتکاب جرم توسط کودکان و نوجوانان نقش داشته باشند. مشکلات روانی و عاطفی (مانند افسردگی، اضطراب و اختلالات رفتاری)، مشکلات یادگیری و تحصیلی، مشکلات جسمی و ناتوانی‌ها، ویژگی‌های شخصیتی (مانند تکانشگری، پرخاشگری و ریسک‌پذیری) و مصرف مواد مخدر و الکل، همگی می‌توانند

سالگی) تعیین تکلیف کرده، اما در مورد شروع آن سکوت کرده است. این سکوت، ناشی از اختلاف نظرهای موجود در مورد تعریف شروع کودکی در زمان تدوین کنوانسیون بوده است. کشور لهستان پیشنهاد داده بود که شروع کودکی از لحظه تولد باشد، درحالی‌که کشورهای آمریکای لاتین و برخی دیگر، معتقد بودند که از لحظه انعقاد نطفه (مانند نظر حقوق اسلامی) باید در نظر گرفته شود. ایالات متحده نیز دیدگاه متفاوتی داشت و شروع کودکی را از زمانی می‌دانست که امکان بقای کودک پس از تولد وجود داشته باشد.

باوجود این، کنوانسیون حقوق کودک، ۱۸ سالگی را به‌عنوان سن رشد در نظر گرفته است. تحقیقات یونسکو در سال ۱۹۷۲ نشان داد که قوانین کشورهای مختلف در مورد سن رشد، تفاوت‌چندانی با یکدیگر ندارند. در اغلب این کشورها، سن رشد به‌معنای پایان نظارت والدین و آغاز مشارکت مستقل جوانان در جامعه است و معمولاً حدود ۲۱ سال در نظر گرفته می‌شود، هرچند تمایل به کاهش آن وجود دارد.

در می‌شیگان در بخش ۱۰۲ از قانون (با شماره ۵۵۲، ۲۱۰۲) تعریف قانونی از واژه «کودک» آمده است. براساس این مقرر «کودک» به‌معنای یک فرد است، چه بالای سن قانونی باشد و چه زیر آن. این فرد یا بدهکار است به پدر و مادر خود یا ادعا می‌شود که بدهکار است به پدر و مادر خود (یعنی پدر و مادر مسئول تأمین مالی او هستند)، یا این فرد، ذی‌نفع یک دستور حمایت مالی است که به پدر و مادرش ابلاغ شده (یعنی پدر و مادر موظف به پرداخت نفقه به این فرد هستند). به عبارت دیگر، این تعریف، کودک را به‌عنوان فردی (بدون توجه به سن) تعریف می‌کند که از لحاظ مالی به والدین خود وابسته است، چه این وابستگی به‌صورت واقعی وجود داشته باشد و چه به‌صورت قانونی ادعا شده باشد. این تعریف معمولاً در قوانین مربوط به حمایت مالی از کودک^۱ استفاده می‌شود، جایی که هدف اصلی تعیین وظایف مالی والدین نسبت به فرزندان‌شان است. این بدان معناست که حتی اگر فردی از نظر قانونی بزرگسال محسوب شود، اگر هنوز از نظر مالی به والدین خود وابسته باشد یا مشمول دستور

^۲- Age of Majority

^۱-Child Support

احتمال گرایش او به رفتارهای پرخطر و مجرمانه افزایش می‌یابد (سپهوندی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۵).

موضوع دیگر در تأثیر خانواده، حضانت است. والدین و مسؤولین حضانت باید به وظایف خود به درستی عمل کنند تا از بزهکاری کودکان جلوگیری شود. به‌طور خلاصه حضانت صحیح و آگاهانه، نقش مهمی در پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان دارد. اهمال در حضانت، فقدان آگاهی والدین، قوانین ناکارآمد و عدم نظارت مناسب، می‌توانند عوامل مهمی در سوق دادن کودکان به سمت ارتکاب جرم باشند (سیفی قره‌بیتاق و اسلامی‌نیا، ۱۴۰۱: ۵۱).

همچنین در بحث خانوادگی، توجه به قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ مهم است و در این قانون تدابیر حمایتی خاصی برای این کودکان در نظر گرفته، ازجمله تعیین مسؤولیت کیفری برای والدینی که نسبت به کودکان خود بی‌توجهی می‌کنند. با این حال، متن به خلأهایی در قانون اشاره می‌کند، مانند جرم‌انگاری نکردن بی‌توجهی والدین که منجر به بزهکاری کودک (مانند تکی‌گری یا سرقت)، خودکشی یا بهره‌کشی اقتصادی از او می‌شود. پیشنهاد می‌شود قانون اصلاح شود تا این موارد نیز جرم‌انگاری شوند و مسؤولیت کیفری والدین در صورت قرارگرفتن کودک در وضعیت مخاطره‌آمیز و نقض قوانین جزایی، پیش‌بینی شود. بی‌توجهی و سهل‌انگاری والدین یکی از عوامل مهمی است که می‌تواند کودکان و نوجوانان را به سمت ارتکاب جرم سوق دهد. زمانی که والدین به نیازهای اساسی کودک (مانند نیازهای عاطفی، روانی، تغذیه و آموزش) توجه نمی‌کنند و در نتیجه کودک در وضعیت مخاطره‌آمیز قرار می‌گیرد، احتمال این‌که برای تأمین نیازهای خود یا به‌دلیل سرخوردگی و ناامیدی به رفتارهای مجرمانه روی آورد، افزایش می‌یابد. به‌عبارت دیگر، بی‌توجهی والدین می‌تواند منجر به ایجاد شرایطی شود که کودک برای بقا یا فرار از وضعیت نامطلوب خود، مجبور به نقض قانون شود.

لذا بی‌توجهی والدین، نه تنها می‌تواند کودک را به قربانی جرم تبدیل کند، بلکه می‌تواند او را به سمت ارتکاب جرم نیز سوق دهد. ازاین‌رو، جرم‌انگاری این بی‌توجهی و تعیین مسؤولیت

زمینه‌ساز رفتارهای مجرمانه شوند. کودکی که با این چالش‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند، ممکن است به‌دلیل عدم توانایی در حل مسائل و کنترل احساسات خود، به رفتارهای خشونت‌آمیز و قانون‌شکنانه روی آورد. در چنین مواردی، شناسایی و درمان به‌موقع مشکلات فردی، می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از جرم ایفا کند. برخی از مهم‌ترین عوامل در ذیل این عامل عبارتند از:

- مشکلات روانی و عاطفی: افسردگی، اضطراب، خشم، اختلالات رفتاری، کمبود اعتماد به نفس و عزت نفس پایین.
- مشکلات یادگیری و تحصیلی: ناتوانی در یادگیری، ترک تحصیل، عملکرد ضعیف در مدرسه.
- مشکلات جسمی: بیماری‌های مزمن، نقص عضو، ناتوانی‌های جسمی.
- ویژگی‌های شخصیتی: تکانشگری، پرخاشگری، عدم همدلی، جستجوی هیجان، ریسک‌پذیری.
- سوء مصرف مواد: مصرف الکل، مواد مخدر و روان‌گردان.
- سابقه خانوادگی: وجود سابقه جرم و جنایت در خانواده (عبداللهی و تکیه‌خواه، ۱۴۰۲: ۱۷۱).

۲-۲- عامل خانوادگی

خانواده، به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی، نقشی بی‌بدیل در شکل‌گیری شخصیت و رفتار کودکان و نوجوانان ایفا می‌کند. متأسفانه، نابسامانی‌ها و مشکلات موجود در برخی خانواده‌ها، بستری مناسب برای بروز رفتارهای ناهنجار و جرم‌زا فراهم می‌آورند. فقدان نظارت کافی و غفلت والدین از فعالیت‌ها و ارتباطات فرزندان، خشونت خانگی (اعم از جسمی، روانی و جنسی)، تعارضات شدید و مداوم بین والدین، فقر و مشکلات اقتصادی، اعتیاد والدین و عدم توجه به نیازهای عاطفی کودک، ازجمله عواملی هستند که می‌توانند به شدت زمینه‌ساز انحرافات رفتاری و ارتکاب جرم توسط کودکان و نوجوانان شوند. کودکی که در معرض این آسیب‌ها قرار می‌گیرد، به‌دلیل فقدان محیط امن و حمایت‌کننده، احساس ناامنی، خشم و سرخوردگی می‌کند و در نتیجه،

و جنایت مؤثر باشند (ضمیری، ۱۳۸۱: ۱۲۸). برخی از مهم‌ترین عوامل در ذیل این عامل عبارتند از:

- فقر و نابرابری اجتماعی: کمبود فرصت‌های آموزشی و شغلی، تبعیض.

- فشار همسالان: تشویق و ترغیب به جرم توسط دوستان و همسالان.

- محل زندگی: زندگی در محله‌های جرم‌خیز و ناامن.

- دسترسی آسان به مواد مخدر و سلاح: وجود مواد مخدر و سلاح در دسترس کودکان و نوجوانان.

- رسانه‌ها: تماشای فیلم‌ها و برنامه‌های خشونت‌آمیز، بازی‌های رایانه‌ای خشن.

- فرهنگ: وجود فرهنگ خشونت و جرم در جامعه (لطفی، ۱۴۰۱: ۴۹؛ کارخانه و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۹؛ اسفندیاری، ۱۳۸۲: ۹۸).

۲-۴- عامل قانونی

باید توجه داشت سن مسئولیت کیفری و نقش آموزش در پیشگیری از جرم در بین کودکان و نوجوانان نیز مؤثر است. در قوانین ایران، سن بلوغ شرعی (۹ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران) به‌عنوان مبنای مسئولیت کیفری در نظر گرفته می‌شود. کودکان زیر این سن، در صورت ارتکاب جرم، مبرا از مسئولیت کیفری بوده و به والدین یا قانون اصلاح و تربیت تحویل داده می‌شوند.

به‌طور کلی، سن مسئولیت کیفری و کیفیت آموزش در تحقق جرم تأثیر دارد و با افزایش سن مسئولیت کیفری و بهبود کیفیت آموزش می‌توان از وقوع بسیاری از جرایم پیشگیری کرد (محمدیکی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۵).

برخی از مهم‌ترین عوامل در ذیل این عامل عبارتند از:

- قوانین ناکارآمد: قوانین غیربازدارنده، عدم اجرای صحیح قوانین.

کیفری برای والدین خاطی، ضروری است (عبداللهی و تکیه‌خواه، ۱۴۰۲: ۱۶۷).

علاوه بر موارد مذکور، برخی از مهم‌ترین عوامل در ذیل این عامل عبارتند از:

- عدم نظارت و مراقبت کافی: غفلت والدین، عدم حضور در زندگی فرزندان، نبود قوانین و مقررات مشخص در خانواده.

- خشونت خانگی: بدرفتاری جسمی، جنسی و روانی با کودک.

- تعارضات خانوادگی: دعوای مکرر و شدید بین والدین، طلاق.

- فقر و مشکلات اقتصادی: کمبود امکانات رفاهی، مسکن نامناسب، سوءتغذیه.

- بی‌سوادی یا کم‌سوادی والدین: عدم توانایی والدین در تربیت صحیح فرزند.

- اعتیاد والدین: مصرف الکل و مواد مخدر توسط والدین.

- بی‌توجهی به نیازهای عاطفی کودک: عدم ابراز محبت و علاقه به کودک (فیروزی، ۱۳۸۸: ۴۳؛ کرمی و عبداللهی، ۱۳۹۵: ۱۲۷).

۲-۳- عامل اجتماعی

عوامل اجتماعی نیز تأثیر به‌سزایی در گرایش کودکان و نوجوانان به جرم دارند. فقر و نابرابری اجتماعی، فشار همسالان، زندگی در محله‌های جرم‌خیز و ناامن، دسترسی آسان به مواد مخدر و سلاح، تأثیرات منفی رسانه‌ها و وجود فرهنگ خشونت در جامعه، همگی می‌توانند زمینه‌ساز ارتکاب جرم شوند. کودکی که در معرض این عوامل قرار می‌گیرد، ممکن است به‌دلیل احساس محرومیت، نادیده‌گرفته‌شدن و یا تشویق از سوی همسالان، به رفتارهای مجرمانه روی آورد. مقابله با این عوامل، نیازمند برنامه‌ریزی و تلاش گسترده در سطح جامعه است. ایجاد فرصت‌های برابر برای همه کودکان و نوجوانان، ارتقای سطح آگاهی جامعه در مورد آسیب‌های اجتماعی و ایجاد محیط‌های امن و سالم برای رشد و تربیت کودکان، ازجمله اقداماتی هستند که می‌توانند در کاهش جرم

- عدم حمایت کافی از کودکان در معرض خطر: نبود سیستم حمایتی مناسب برای کودکان بزه‌دیده و در معرض خطر (صبوری‌پور و حق‌بین، ۱۴۰۲: ۵۱۶).

این عوامل اغلب به‌صورت ترکیبی عمل می‌کنند و تأثیر یکدیگر را تشدید می‌کنند. اهمیت هریک از این عوامل ممکن است بسته به سن، جنسیت، فرهنگ و شرایط فردی کودک متفاوت باشد. شناخت این عوامل می‌تواند به پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین کمک کند. لازم است توجه داشت که صرف وجود یک یا چند عامل از عوامل فوق، به‌معنای قطعی ارتکاب جرم توسط کودک یا نوجوان نیست.

۳- انواع مسئولیت قانونی والدین در قبال فرزند

در بین عواملی که به‌عنوان عامل مؤثر در ارتکاب جرم توسط کودکان و نوجوانان برشمردیم، یکی از عوامل مهم عوامل خانوادگی بود که به بحث ما مربوط است و در جرم‌زابدن برخی رفتارهای آنان در برابر کودکان خود شکی وجود ندارد، اگرچه والدین عموماً از تعهد قانونی خود برای تأمین فرزندان خود آگاه هستند، اما ممکن است همیشه مسئولیت قانونی خود را در قبال اقدامات فرزند خود در نظر نگیرند. علاوه بر مسئولیت نظارت و هدایت موفقیت‌آمیز جوانان به‌سوی بزرگسالی، قوانینی برای تعیین مسئولیت قانونی والدین در قبال اشتباهات فرزندان‌شان ایجاد شده است. مسئولیت قانونی والدین به‌طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱- مسئولیت نیابتی که مسئولیت مالی مراقب را در قبال خسارات ناشی از کودکان برعهده می‌گیرد؛ ۲- تخلفات وضعیتی، برای رفتارهایی که فقط به‌دلیل وضعیت خردسالی کودک غیرقانونی هستند؛ ۳- مسئولیت کیفری، زمانی که جوانان مرتکب جرایم جدی و معمولاً خشونت‌آمیز می‌شوند (Sbeglia et al, 2004: 7/405). ما به‌طور خلاصه هریک را در زیر مورد بحث قرار می‌دهیم:

۳-۱- مسئولیت مدنی نیابتی

والدین در قبال فرزندان خود تکالیفی دارند که نقض آن‌ها، در صورت وجود شرایط، مسئولیت مدنی به‌همراه دارد. این مسئولیت نامحدود نیست و عواملی می‌تواند مانع یا کاهنده آن شود. این عوامل به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌شوند

که شامل مجوز قانونی، احسان، اکراه، اضطراب و رضایت زبان‌دیده است (عابدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۷). زمانی که والدین، فرزندشان مرتکب رفتار مجرمانه می‌شود، اغلب در پرونده‌های مدنی مسئولیت‌شان اعمال می‌شود که به‌عنوان پرونده‌های مسئولیت مدنی نیابتی نیز شناخته می‌شود که در آن والدین از نظر مالی مسؤول اقدامات فرزند می‌باشند که منجر به خسارت مالی یا آسیب جسمی می‌شود. اعمال این قوانین گاهی دشوار است، باتوجه به این‌که باید قصد یا سهل‌انگاری ثابت شود. با این حال، ایالت‌هایی، مانند هاوایی مدت‌هاست که والدین را از نظر مدنی در قبال خسارات ناشی از فرزندان خود مسؤول می‌دانند که حداقل به سال ۱۸۴۶ برمی‌گردد (Geis & Binder, 1990: 2311). مسئولیت مدنی نیابتی، شامل تحریم‌های قانونی اعمال‌شده علیه شخص ثالث است؛ زمانی که اقدامات یا عدم اقدامات آن‌ها (به‌عنوان مثال، سهل‌انگاری) ممکن است منجر به تخلف شخص دیگری شده باشد. به‌عنوان مثال، اگر یک خردسال باعث تصادف رانندگی شود، والدین می‌توانند مسؤول هرگونه خسارت ناشی از آن به‌وسیله نقلیه قربانی و در برخی از ایالت‌ها، آسیب‌های شخصی که ممکن است در نتیجه تصادف ایجاد شده باشد، شناخته شوند. یک مثال تاریخی از یک پرونده مسئولیت نیابتی در سال ۱۸۸۹ رخ داد، زمانی که یک پدر، ویلیام شارپ، توسط پسرانش از قصدشان برای فروبردن معلم خود در یک توده آب تقریباً منجمد مطلع شد. شارپ بعداً به پسرانش گفت که مایل است هزینه‌های احتمالی خسارت را بپردازد اگر پسرانش برنامه خود را عملی کنند که در نهایت او را به‌طور نیابتی مسؤول کرد. هنگامی که پسرانش در واقع به معلم خود حمله کردند، شارپ به‌عنوان یک مشارکت‌کننده غیرمستقیم در ارتکاب جرم در نظر گرفته شد (شارپ علیه ویلیامز، ۱۸۸۹). با این حال، مواردی مانند این، که شامل گزارش‌های نسبتاً واضحی از سهل‌انگاری یا قصد عمدی است، نادر است و مسئولیت نیابتی بیشتر به‌دلیل ناتوانی کودکان در پرداخت خساراتی که ممکن است ایجاد کرده باشند، دنبال می‌شود (DiFonzo, 2001: 76). به‌دلیل مجموعه گسترده‌ای از رفتارهایی که مسئولیت نیابتی پوشش می‌دهد، پرونده‌های مربوط به مسئولیت قانونی والدین اغلب

هنگامی که مشخص می‌شود کودکان بزهکار هستند و متهم به تخلفات وضعیتی می‌شوند، والدین به‌طور خودکار درگیر می‌شوند (Brank et al, 2005: 41). با ثبت بیش از ۱۰۰ هزار دادخواست تخلفات وضعیتی در سراسر کشور به‌صورت سالانه (Puzzanchera et al, 2022)، محققان ماهیت متفاوت پاسخ‌های قانونی به تخلفات وضعیتی را مستند کرده‌اند که از مداخلات توان‌بخشی تا اقدامات تنبیهی‌تر متغیر است (Mallett, 2016: 333). تصور می‌رود که این تحریم‌های تنبیهی باعث بهبود انطباق جوانان با مقامات دادگاه می‌شود. سایر حوزه‌های قضایی اقدامات حمایتی‌تری را دنبال کرده‌اند. به‌عنوان مثال، در اوکلاهاما، مسئولیت قانونی به والدین نسبت داده شده و در عین حال اطمینان حاصل شده است که این والدین از حمایت والدین، از نظر مالی یا آموزشی، برخوردار می‌شوند. جوانانی که بیشترین خطر متهم‌شدن به تخلفات وضعیتی را دارند، کسانی هستند که از خانواده‌ها و جوامع با سطح اجتماعی - اقتصادی پایین‌تر می‌آیند، با توجه به شیوع محرومیت متمرکز محله و کاهش منابع عاطفی یا مالی والدین. در واقع، عواملی مانند نظارت محدود والدین و زندگی در یک خانواده تک‌والدی با افزایش خطر تخلفات وضعیتی و بزهکاری بعدی مرتبط است. علیرغم گفتمان حقوقی در مورد سودمندی نظری چنین شیوه‌های عدالت نوجوانان، داده‌های تجربی نشان‌دهنده اثرات قوانینی که هدفشان درگیرکردن والدین در رفتارهای غیرجنایی جوانان است، کمیاب بوده است (Sbeglia et al, 2004: 7/409).

۳-۳- مسئولیت کیفری

اخیراً قوانین مربوط به مسئولیت والدین نیز گسترش یافته و شامل مسئولیت کیفری در قبال رفتار جوانان می‌شود. به‌عبارت دیگر، در موارد نادری که جوانان در اشکال جدی رفتار بزهکارانه شرکت می‌کنند، خود والدین ممکن است به یک جرم متهم شوند. اولین قانون که والدین را از نظر کیفری مسؤول کمک به بزهکاری فرزندان خود می‌دانست، در سال ۱۹۰۳ در کلرادو تصویب شد (Buss & Gulasekaram, 2002: 247)، اما دشواری برآورده‌کردن آستانه‌های قانونی لازم، مانند اثبات قصد عمدی یا سهل‌انگاری فاحش از جانب

در این دسته قرار می‌گیرند. در طول قرن گذشته، کاربردهای این قوانین فراتر از خسارت مالی و آسیب شخصی گسترش یافته است و شامل مسائل معاصرتر، مانند قلدری یا ارتکاب جرم سایبری می‌شود (Gardini, 2022: 4885). والدین همچنین ممکن است به‌طور نیابتی مسؤول ارائه الکل به خردسالان در مواردی باشند که نوجوانان الکل خریداری‌شده قانونی والدین را به دست می‌آورند و بدون اطلاع والدین، به دوستان زیر سن قانونی خود الکل می‌دهند (Reesman, 1990: 831). شایان ذکر است که این به‌طور خاص به مسئولیت ارائه الکل به خردسالان می‌پردازد، درحالی‌که مصرف الکل زیر سن قانونی تحت تخلفات وضعیتی قرار می‌گیرد.

۳-۲- تخلفات وضعیتی

تخلفات وضعیتی رفتارهایی هستند که به‌دلیل وضعیت فرد به‌عنوان یک خردسال در دادگاه مطرح می‌شوند که در غیر این صورت غیرقانونی نخواهند بود (Mallett, 2016: 340). این شامل تخلفاتی مانند ترک تحصیل، فرار از خانه، بی‌بند و باری، نوشیدن الکل زیر سن قانونی و نقض مقررات منع رفت و آمد است. اعمال مسئولیت والدین در قبال تخلفات وضعیتی بسیار رایج است. این تخلفات دارای جایگاه قانونی منحصر به فردی هستند، زیرا هم جوانان و هم والدین به دلیل وضعیت جوانان به‌عنوان یک خردسال، در رفتارهای غیرجنایی دخیل می‌شوند (به‌عنوان مثال، ترک تحصیل، نقض مقررات منع رفت و آمد، نوشیدن الکل قبل از ۲۱ سالگی). تقریباً همه ایالت‌ها قوانین مربوط به تخلفات وضعیتی و جبران خسارت مالی دارند که والدین را در قبال اقدامات فرزندان خود مسؤول می‌دانند. اعتقاد بر این است که این تخلفات، اگرچه ماهیت جنایی ندارند، خطر بزهکاری و رفتار مجرمانه در آینده را افزایش می‌دهند (Huizinga et al, 1995; Elliott, 1994: 20). رسیدگی به پرونده‌های تخلفات وضعیتی از طریق سیستم عدالت نوجوانان در برخی موارد ممکن است دستورات دادگاهی را تحمیل کند که در صورت نقض، جوانان را بیشتر درگیر سیستم قضایی می‌کند (Arthur & Waugh, 2008: 561).

۴- پیامدهای ناخواسته مسؤولیت والدین

علیرغم قصد سیستم قضایی برای بازگرداندن عدالت و هدایت جوانان به سمت رفتارهای اجتماعی‌تر، مسؤولیت قانونی والدین ممکن است پیامدهای ناخواسته‌ای هم برای والدین و هم برای جوانان تحت مراقبتشان ایجاد کند، اگرچه افزایش اجرای قوانین مسؤولیت والدین در اواسط دهه ۱۹۹۰ با افزایش جرم و جنایت نوجوانان برانگیخته شد (Graham, 1973: 2000)، اما دانشمندان تنها اخیراً شروع به بررسی کرده‌اند که آیا اجرای این قوانین در تشویق به افزایش نظارت والدین و درنهایت بازدارندگی فعالیت مجرمانه جوانان مؤثر است یا خیر (Harris, 2006: 29; Brank & Scott, 2014: 1-5)، اگرچه تحقیقات محدود است، اما برخی شواهد نشان می‌دهد که این قوانین تأثیر کمی بر کاهش بزهکاری نوجوانان دارد، بلکه به وخامت روابط والدین و فرزندان کمک می‌کند که مشخص شده است باعث ارتقای دوری از جرم می‌شود (Geis & Binder, 1990: 2312; Goldson & Jamieson, 2002: 290). این قوانین همچنین با افزایش افسردگی، مشکلات خواب و رفتار پرخاشگرانه از طریق کاهش منابع مالی و عاطفی در خانه‌های افرادی که از قبل به‌طور نابرابری محروم شده‌اند، مرتبط است (Myers et al, 2002: 31202; Laskin, 2000: 21; 1999). علاوه بر این، قوانین مسؤولیت والدین ممکن است نابرابری‌های نژادی/ قومی و اقتصادی موجود را برای خانواده‌های درگیر در سیستم قضایی تداوم بخشد و تشدید کند. نابرابری نژادی و قومی در تاروپود سیستم عدالت نوجوانان بافته شده است و شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد قوانین مسؤولیت والدین ممکن است پیامد ناخواسته تشدید آن نابرابری‌های موجود را داشته باشد. برای مثال، قوانین مسؤولیت والدین ممکن است به‌طور نامتناسبی مادران مجرد رنگین‌پوست را که بیشتر احتمال دارد فقر را تجربه کنند و در مناطق کم‌درآمد زندگی کنند که بیشتر تحت نظارت پلیس هستند، تحت فشار قرار دهد (Heitzeg, 2015: 2201). پیامدهای مالی و قانونی تحمیل مجازات بر والدین ممکن است منابع فشار بیشتری بر خانواده ایجاد کند و شرایطی را تشدید کند که به بزهکاری نوجوانان کمک می‌کند. به‌عنوان مثال، در تلاش برای کاهش خشونت

والدین، منجر به موارد بسیار کمی شده است که والدین متهم به جرم شده‌اند، اگرچه این امر از نظر قانونی ممکن است، اما به‌ندرت اتهامات جنایی علیه والدین نوجوانان متخلف مطرح می‌شود. با این حال، چنین اتهاماتی می‌تواند زمانی مطرح شود که قصد والدین یا سهل‌انگاری فاحش در مواردی که اقدامات نوجوانان منجر به مرگ یا آسیب جدی جسمانی به شخص دیگری می‌شود، آشکار به‌نظر برسد (Lockwood, 2000: 516). علی‌رغم نگرانی‌های فزاینده اجتماعی در مورد خشونت جوانان که در اواخر قرن بیستم به‌وجود آمد، (DeLisi et al, 2007: 25)، جرایم خشونت‌آمیز اقلیتی از پرونده‌هایی را تشکیل می‌دهند که در دادگاه‌های نوجوانان و جنایی مطرح می‌شوند و کمتر از ۱۰ درصد از دستگیری‌های جوانان در ایالات متحده را تشکیل می‌دهند (Puzzanchera, 2022). فراتر از نادر بودن نسبی خشونت جدی جوانان، مسؤولیت کیفری والدین هنوز نادرتر بوده است. در واقع، تا همین اواخر در سال ۲۰۰۰، هیچ موردی از محکومیت جنایی والدین برای اعمال خشونت‌آمیز جدی، مانند قتل که توسط فرزندانشان مرتکب شده بودند، وجود نداشته است (Lockwood, 2000: 532).

محدود بودن کاربرد مسؤولیت کیفری والدین را می‌توان هم به چالش‌های تعریف توانایی کودک در عمل مستقل از والدین خود و هم به آستانه بالایی که برای اثبات قصد یا سهل‌انگاری از جانب والدین به‌عنوان شخص ثالث لازم است، نسبت داد (Eccles et al, 1991: 456). علاوه بر این، از آنجا که مسؤولیت مدنی نیابتی شامل آسیب و در برخی از ایالت‌ها، مرگ شخص دیگری می‌شود، بسیار غیرمعمول است که والدین مسؤولیت کیفری در قبال اقدامات فرزند خود را برعهده بگیرند. مواردی مانند تیراندازی در مدرسه که توسط ایتان کرامبلی مرتکب شده است، موارد نادر هستند که در آن ترکیب رفتار مجرمانه شدید و سهل‌انگاری بالقوه شدید ممکن است مستلزم اتهامات جنایی علیه والدین باشد (Sbeglia et al, 2004: 7/412).

آگاهی والدین از قوانین: قوانین مسئولیت والدین نمی‌توانند تأثیر بازدارنده مورد نظر خود را داشته باشند اگر والدین از این قوانین آگاه نباشند. باوجود این که تحقیقات بیشتری باید در این زمینه انجام شود، مطالعه‌هایی که بر روی والدین به‌ویژه از پیشینه‌های به حاشیه رانده‌شده صورت گرفته نشان می‌دهد که این والدین پس از دستگیری فرزندشان اطلاعات کمی در مورد حقوق و مسئولیت‌های خود در سیستم قضایی نوجوانان دارند. وضعیت مشابهی حتی برای والدینی که فرزندانشان چندین بار دستگیر شده‌اند، قابل مشاهده است، بنابراین در غیاب آموزش‌های لازم در مورد قوانین مسئولیت والدین، احتمال تحقق اثر بازدارندگی آن‌ها به‌ویژه در بین خانواده‌های به حاشیه رانده شده، بسیار کم است.

نظارت و پاسخ والدین: با این که نظارت والدین می‌تواند بزهکاری نوجوانان را کاهش دهد، اما معلوم نیست که آیا مجازات‌هایی که به‌منظور تشویق والدین به نظارت بر فرزندانشان طراحی شده‌اند، به این هدف دست می‌یابند یا خیر. شواهد نشان می‌دهند که رفتارهای نظارتی والدین و آگاهی از رفتارهای فرزندانشان می‌تواند پس از دستگیری افزایش یابد که نشان می‌دهد والدین رفتار نظارتی خود را در پاسخ به درگیری‌های سیستم قضایی تغییر می‌دهند، اما سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آیا اعمال مجازات‌ها واقعاً مزیت بیشتری نسبت به اقداماتی که والدین ممکن است به‌طور طبیعی در پاسخ به دستگیری فرزند خود انجام دهند، فراهم می‌آورد یا خیر؟ علاوه بر این، والدین ممکن است به‌دلیل مشغله‌ای مانند کمبود وقت یا دیگر محدودیت‌های منابع، نتوانند به‌طور مؤثری در نظارت فعال باشند. در چنین شرایطی، مواجهه با مجازات‌های قانونی نمی‌تواند علت اصلی کمبود نظارت را برطرف کند و در عین حال، نمی‌تواند محیط مساعدی برای بهبود نظارت در آینده ایجاد کند.

اثر مجازات‌ها در مقابل اقدامات حمایتی: مجازات‌ها ممکن است به اندازه اقدامات حمایتی و توان‌بخشی مؤثر نباشند. تماس با سیستم قضایی نوجوانان، به‌جای تحمیل مجازات‌های تنبیهی، می‌تواند فرصتی برای متخصصان فراهم کند تا با والدین همکاری کنند و مهارت‌های فرزندپروری آن‌ها را

باندهای تبهکاری، قوانینی مانند قانون اجرای پیشگیری و مقابله با تروریسم خیابانی کالیفرنیا برای عدم نظارت بر فرزندان، مجازات‌های مالی را برای والدین در نظر می‌گیرد. عدم نظارت والدین در واقع با افزایش احتمال پیوستن جوانان به باندها مرتبط است (Lahey et al, 1999: 267)، اما این قانون در نظر نمی‌گیرد که اعضای باند به‌طور قابل توجهی بیشتر از خانواده‌های تک‌والدی هستند (Esbensen & Winfree, 1998: 3519). والدین مجرد به احتمال زیاد ساعات طولانی کار می‌کنند یا چندین شغل دارند تا از نظر مالی از خانواده خود حمایت کنند که منجر به کاهش توانایی آن‌ها در نظارت بر فرزندان خود می‌شود (Van Hofwegen, 2018: 9). با عدم وجود مطالعات تجربی در مورد اثر بازدارندگی مجازات‌های والدین، تحقیقات هنوز ثابت نکرده است که آیا مجازات‌های والدین در پیشگیری یا کاهش جرم مؤثر است یا خیر.

نتیجه‌گیری

وقوع جرم توسط جوانان یک چالش پیچیده و حساس برای سیستم قضایی و اجتماعی به‌شمار می‌آید. هدف اصلی این سیستم ارائه عدالت برای قربانیان و تلاش برای توان‌بخشی جوانان تا از درگیری آنان در رفتارهای بزهکارانه آینده جلوگیری شود. در این راستا، مسئولیت قانونی والدین می‌تواند از طریق جبران خسارت مالی برای قربانیان، یا از طریق جلب توجه والدین به رفتارهای مشکل‌ساز فرزندان، به این هدف پاسخ دهد. این عملکرد، در ایده‌آل‌ترین حالت، منجر به ایجاد اقدامات انضباطی مؤثر و جلوگیری از تکرار جرم خواهد شد. با این حال، سؤالی که وجود دارد، این است که آیا مجازات‌های تعیین‌شده برای والدین واقعاً بر نگرانی‌های مربوط به بزهکاری نوجوانان تأثیر دارد یا خیر، به‌علاوه، تاکنون هیچ مطالعه تجربی جامعی وجود ندارد که بتواند ارزیابی دقیقی از تأثیر مسئولیت قانونی والدین بر کاهش بزهکاری نوجوانان ارائه دهد.

پیشرفت در تلاش‌های مسئولیت قانونی والدین با سه چالش مهم مواجه است:

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- اسفندیاری، اسماعیل (۱۳۸۲). «فقر و انحرافات اجتماعی». فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۲۱(۴): ۹۰-۱۱۲.

- الهامی، رضا و میرزائی، ماندانا (۱۴۰۰). «امکان‌سنجی تبعیت از کنوانسیون‌های بین‌المللی در تعیین سن کودک از منظر فقه و حقوق ایران». فصلنامه دین‌پرویی و کارآمدی، ۱(۲): ۱-۱۸.

- حسنی، محمدحسن (۱۳۹۴). مقارنه تحولات ناظر به مسؤولیت کیفری اطفال و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و فقه جزایی اسلام. تهران: دومین کنگره بین‌المللی علوم اسلامی.

- حلی (علامه حلی)، حسن (۱۴۲۰). تحریر الأحکام الشرعیه علی مذهب الإمامیه. جلد دوم، مشهد: مؤسسه آل‌البیت (ع).

- سپهوندی، محمدعلی؛ علائی، رقیه و قدمپور، عزت‌الله (۱۳۹۶). «تدوین مدل محله آسیب‌پذیر براساس پیشایندهای خانواده، همسالان و نگرش به مصرف مواد». مجله توسعه محلی (روستایی - شهری)، ۹(۱): ۵۱-۷۸.

- سیفی قره‌یتاق، داوود و اسلامی‌نیا، قاسم (۱۴۰۱). «قلمرو و مبانی جرم‌اهمال در حضانت در نظم حقوق کیفری ایران». فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۲۷(۲۵): ۲۷-۶۰.

- شفیعی، شیما و رایجیان اصلی، مهرداد (۱۴۰۱). «پاسخ‌های فرآیند کیفری به کودکان و نوجوانان از منظر حقوقی - جرم‌شناختی، با رویکرد تطبیقی به حقوق ایران و کانادا». دو فصلنامه علمی حقوق تطبیقی، ۹(۲): ۶۳-۸۴.

- صبورپور، مهدی و حق‌بین، فائزه (۱۴۰۲). «نوآوری‌ها و چالش‌های قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در پیشگیری از کودک‌آزاری». مجله حقوق خانواده، ۵۳(۲۲): ۵۰۷-۵۳۸.

- ضیمری، محمدرضا (۱۳۸۱). «رسانه و انحرافات اجتماعی». فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۱۸(۱): ۱۱۸-۱۳۵.

بهبود بخشند، به‌علاوه، مجازات‌ها ممکن است نابرابری‌های مالی و نژادی/ قومی موجود در سیستم قضایی نوجوانان را تشدید کنند. برای آن‌که سیستم قضایی نوجوانان به هدف توان‌بخشی پایدار پردازد، ایجاد و تقویت سیستم‌های حمایتی برای جوامع آسیب‌پذیر ممکن است مؤثرتر از تحمیل مجازات‌های قانونی باشد. با این حال، پژوهش‌های بیشتری برای ارزیابی تأثیر واقعی قوانین مسؤولیت والدین بر رفتار والدین و نوجوانان ضروری است تا بتوان توصیه‌های مؤثری در راستای سیاست‌گذاری‌های مناسب ارائه داد.

باتوجه به چالش‌های فوق و عدم وجود داده‌های کافی در این حوزه، تحقیقات بیشتری به‌منظور شناسایی و تحلیل بهترین شیوه‌ها برای شکل‌دهی به سیاست‌گذاری‌های حقوقی و اجتماعی در زمینه مسؤولیت والدین ضروری است. این بررسی‌ها می‌توانند به توسعه راهکارهایی منجر شوند که علاوه بر حفظ عدالت برای قربانیان، به نفع توان‌بخشی و حمایت از نوجوانان در معرض خطر و خانواده‌هایشان نیز باشد. بنابراین توجه به نیازهای جامعه، به‌ویژه در زمینه آموزش والدین و ارائه حمایت‌های لازم، مهم‌ترین اقدام برای کاهش بزهکاری و ارتقای سلامت اجتماعی است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

جنایی ایران». تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، ۳۳(۹): ۱۱۵-۱۳۹.

- لطفی، اسما (۱۴۰۱). «پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق ایران». مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، ۳۹(۴): ۴۴-۵۵.

- محمدبیکی، علیرضا؛ اسدی، حبیب و الهویی، نوید (۱۴۰۱). «بررسی تطبیقی مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در قانون مجازات مصوب ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲». فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای فقه، ۲(۴): ۲۷-۵۴.

- منفرد، افسانه و روزنتال، فرانتس (۱۳۷۹). «کودک در اسلام». مقالات و بررسی‌ها، (۶۷): ۹۷-۱۲۳.

- موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۹۰). «بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره‌مندی از حقوق مربوطه». مجله متین، ۲۱: ۵۴۸-۹۶۵.

ب. منابع انگلیسی

- Arthur, PJ & Waugh, R (2008). "Status Offenses and the Juvenile Justice and Delinquency Prevention Act: The Exception that Swallowed the Rule". *Seattle J Soc Justice*, 7: 555-576.

- Brank, EM & Scott, L (2014). *Parental Responsibility for Juveniles' Acts. The Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice*. Edited by Bruinsma, G & Weisburd, D. Hoboken, NJ: Blackwell Publ.

- Brank, EM; Kucera, S & Hays, SA (2005). "Parental Responsibility Statutes: An Organization and Policy Implications". *J Law Fam Stud*, 7: 11-55.

- Buss, E & Gulasekaram, P (2002). "Contributing to the Delinquency of Minors". *Encycl Crime Justice*, 2002: 247-249.

- Cookston, JT (1999). "Parental Supervision And Family Structure: Effects on Adolescent Problem Behaviors". *J Divorce*, 32(1-2): 2107-2122.

- DeLisi, M; Dooley, BD & Beaver, KM (2007). *Super-Predators Revisited. Criminology*

- عابدی، محمد؛ قبولی درخشان، سیدمحمد مهدی و سعیدی، امیر (۱۳۹۴). «موانع مسئولیت مدنی والدین در برابر فرزندان». وکیل، ۱۴(۵): ۹۱-۱۰۵.

- عابدینی، عبدالله و مشکى‌باف، مهدی (۱۴۰۰). «جایگاه مصلحت در کنوانسیون حقوق کودک و قوانین خانواده ایران». فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۸(۴): ۱۸۳-۲۱۲.

- عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین‌الدین (۱۳۹۳). *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*. ترجمه و شرح حسن قاروبی تبریزی، جلد سوم، قم: دار التفسیر.

- عباس‌سرمودی، مهدی و زنگی اهرمی، عهدیه (۱۳۹۴). «بررسی سن کودک و آثار حقوقی آن از منظر اسناد بین‌المللی». دو فصلنامه علمی - ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۲۰(۶۳): ۲۳-۴۲.

- عباسی داکانی، خسرو (۱۳۸۲). «اهلیت و حجر و سن رشد در قانون مدنی ایران پس از اصلاحات سال ۱۳۶۱». *کانون*، ۴۶: ۳-۲۱.

- عبداللہی، افشین و تکیه‌خواه، سیدمحمد رضا (۱۴۰۲). «واکاوی مسئولیت کیفری والدین در زمینه بی‌توجهی و سهل‌انگاری در برابر کودکان دستخوش گزند». *مشاوره و درمان درمانی خانواده*، ۱(۱۳): ۱۶۳-۱۸۴.

- فیروزی، گلناز (۱۳۸۸). «خشونت خانوادگی: خشونت خانوادگی و رفتارهای خشونت‌آمیز علیه کودکان». *پگاه حوزه*، ۲۶۶: ۳۶-۵۴.

- کارخانه، فروزان؛ یوسفوند، حسن‌رضا و دهقان، حسین (۱۴۰۱). «تبیین جامعه‌شناختی پیامدهای نابرابری اجتماعی - اقتصادی در استان‌های غرب کشور (ایلام، کردستان، کرمانشاه)». *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ۱۱(۱): ۱۴۹-۱۷۴.

- کرمی، داود و عبداللہی، منوچهر (۱۳۹۵). «پیشگیری از بزهکاری اطفال با رویکرد خانواده و مدرسه‌مدار در سیاست

- Heitzeg, NA (2015). "Whiteness", Criminality, and the Double Standards of Deviance/ Social Control". *Contemp Justice Rev*, 18: 2197-2214.
- Huizinga, D; Rolf, L & Thornberry, TP (1995). *Urban Delinquency and Substance Abuse: Initial Findings* Off. Juv. Justice Delinquency Prev. Rep. Washington, DC: Office Justice Progr.
- Kroese, J; Bernasco, W; Liefbroer, AC & Rouwendal, J (2021). "Single-Parent Families and Adolescent Crime: Unpacking the Role of Parental Separation, Parental Decease, and Being Born to a Single-Parent Family". *J Dev Life-Course Criminol*, 7: 4596-4622.
- Lahey, BB; Gordon, RA; Loeber, R; Stouthamer-Loeber, M & Farrington, DP (1999). "Boys Who Join Gangs: A Prospective Study of Predictors of First Gang Entry". *J Abnorm Child Psychol*, 27: 261-276.
- Laskin, E (2000). "How Parental Liability Statutes Criminalize and Stigmatize Minority Mothers". *Am Crim Law Rev*, 37: 31195-31217.
- Lockwood, L (2000). "Where Are the Parents? Parental Criminal Responsibility for the Acts of Children". *Golden Gate Univ Law Rev*, 30: 497-559.
- Mallett, CA (2016). "Truancy: It's not about Skipping School". *Child Adolesc Soc Work J*, 33: 337-347.
- Myers, BJ; Smarsh, TM; Amlund-Hagen, K & Kennon, S (1999). "Children of Incarcerated Mothers". *J Child Fam Stud*, 8: 11-25.
- Puzzanchera, C (2022). *Trends in Youth Arrests for Violent Crimes* Off. Juv. Justice Delinquency Prev. Rep. Washington, DC: Office Justice Progr.
- Puzzanchera, C; Hockenberry, S & Sickmund, M (2022). *Youth and the Juvenile Justice System: 2022 National Report*. Pittsburgh, PA: National Center for Juvenile Justice.
- Reesman, DA (1990). "Tort Law: Parental Liability and the Extension of Social Host Liability to Minors". *Univ Dayton Law Rev*, 16: 827-849.
- Research Focus KT Froeling* 21-30. Hauppauge, NY: Nova Sci Publ.
- DiFonzo, JH (2001). "Parental Responsibility for Juvenile Crime". *Or Law Rev*, 80: 11-108.
- Dragomir, RR & Tadros, E (2020). "Exploring the Impacts of Racial Disparity within the American Juvenile Justice System". *Juv Fam Court J*, 71: 261-73.
- Eccles, JS; Buchanan, CM; Flanagan, C; Fuligni, A; Midgley, C & Yee, D (1991). "Control Versus Autonomy during Early Adolescence". *J Soc Issues*, 47: 453-468.
- Elliott, DS (1994). *Youth Violence: An Overview Paper Presented at the Aspen Institute Children's Policy Forum, Children and Violence Conference* Queenstown.
- Esbensen, FA & Winfree, LT (1998). "Race and Gender Differences between Gang and Nongang Youths: Results from a Multisite Survey". *Justice Q*, 15: 3505-3526.
- Fagan, AA & Benedini, KM (2019). *Family Influences on Youth Offending. The Oxford Handbook of Development and Life-Course Criminology*. Oxford, UK: Oxford Acad.
- Gardini, N (2022). "The Parent Trap: Extending New York State's Parental Liability Law to Hold Parents Liable for Minor Child's Bullying". *Fam Court Rev*, 60: 4885-900.
- Geis, G & Binder, A (1990). "Sins of Their Children: Parental Responsibility for Juvenile Delinquency Symposium on Serious Juvenile Crime". *Notre Dame J. Law Ethics Public Policy*, 5: 2303-2323.
- Goldson, B & Jamieson, J (2002). "Youth Crime, the "Parenting Deficit" and State Intervention: A Contextual Critique". *Youth Justice*, 2: 282-299.
- Graham, PK (1999). "Parental Responsibility Laws: Let the Punishment Fit the Crime". *Loyola Los Angel Law Rev*, 33: 1719-1752.
- Harris, L (2006). "An Empirical Study of Parental Responsibility Laws: Sending Messages, but What Kind and to Whom?". *Utah Law Rev*, 2006: 15-34.

- Sbeglia, C; Randolph, I; Cavanagh, C & Cauffman, E (2024). *Parental Legal Culpability in Youth Offending*. Irvine: University of California, Vol.7.
- Van Hofwegen, SL (2009). "Unjust and Ineffective: A Critical Look at Lahey Ornia's STEP Act". *South Calif Interdiscip Law J*, 18: 3679-3701.
- Zych, I; Farrington, DP; Ribeaud, D; Eisner, MP (2021). "Childhood Explanatory Factors for Adolescent Offending: A Cross-National Comparison Based on Official Records in London, Pittsburgh, and Zurich". *J Dev Life-Course Criminol*, 7: 3308-3030.

ج. سایت‌های اینترنتی

- پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت‌ا... مکارم شیرازی (۱۴۰۰).
بازیابی شده از:

<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=21&lid=0&catid=930>.

- موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۳۷۸). *استفتاء*.